

مفهوم تجاوز در معاهدات و

✓ پیمان نمایان
کارشناس حقوق قضایی

مقدمه

تجاوز به قلمروی کشورها و دولت‌های دیگر همواره موجب دشمنی و به مخاطره افتادن امنیت، بوده است. هنگامی که دولت بر حریم کشور دیگری تجاوز می‌کند، با همین عمل، امنیت بین‌المللی نقض و حرمت آن شکسته می‌شود و امنیت قلمروهای دیگر نیز به مخاطره می‌افتد.

در اسلام تجاوز جز در مورد دستمکاران به رسمیت شناخته نشده است^(۱) و انجام آن در غیر این صورت گناهی بزرگ قلمداد شده که مستوجب سخت‌ترین کیفرها می‌باشد.^(۲) قرآن بازگشت تجاوز و آثار آن را به خود متجاوز می‌داند و کیفر متجاوز را تجاوز به مثل می‌داند. در مقابله به مثل نیز تعدی از حد مجاز و تجاوز را محکوم کرده^(۳) و سرانجام تجاوزکاران را گرفتاری در بدترین کیفرها دانسته است.^(۴) مع ذلک از دیدگاه اسلام، تجاوز مهم‌ترین عامل تهدیدکننده امنیت شناخته شده است. از دید این دین بزرگ آسمانی هر نوع زیر پا گذاشتن حقی، تجاوز است و این حق ممکن است فردی، اجتماعی و یا اینکه بین‌المللی باشد. نقض حقوق شناخته شده ملت‌ها تجاوز به آن‌ها می‌باشد که بارزترین شکل آن تجاوز به حق حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی دولت‌ها می‌باشد.^(۵)

مع الوصف اصطلاح "تجاوز" علاوه بر معانی و مفاهیمی که در نوشتار و گفتار روزمره ی افاده می‌کند، در علم حقوق به طور اعم و حقوق



مسالمت‌آمیز اختلافات خود می‌نماید. لازم به توضیح نیست که هیچ یک از پیمان‌ها و منشورها و قرارداد‌های فوق، به علت نداشتن پشتوانه‌ی اجرایی، نتوانسته‌اند جامعه‌ی بشریت را از مفاسد و مظالم ناشی از خودخواهی‌ها، برتری‌جویی‌ها و ماجراجویی‌های حکام و رهبران سیاسی و نظامی دول متجاوز و سلطه‌گر مصون بدارند. ما اکنون پس از گذشت نزدیک به یک قرن از تدوین مقررات جنگ هنوز شاهد فجایع و جنایات رژیم‌های منحرف و متجاوز می‌مانند رژیم بعث عراق و آمریکا و اسرائیل غاصب می‌باشیم. در این میان سازمان ملل و ارگان‌های تابعه‌ی آن مانند شورای امنیت و مجمع عمومی نشان داده‌اند که به علت اعمال نفوذ قدرتهای فائده‌ی از ایفای نقش و وظایفی که با آن محلول گردیده، قاصر و ناتوان می‌باشند.

جامعه‌ی ملل از میان مغروبه‌های جنگ جهانی اول به وسیله قدرتهای فاتح تأسیس گردید و هیچگاه قادر نشد تجاوزات و تهاجمات خصمانه‌ی بین دول را در خلال دو جنگ جهانی

بین‌المللی عمومی بالأخص متوجه‌ی وضعیت خاصی در روابط بین دول است که در آن امنیت و صلح بین‌المللی مورد تهدید و مخاطره قرار می‌گیرد.

الف - کلیات

طرح موضوع

در روابط بین‌المللی جدید از سال ۱۸۹۹ م، یعنی زمان تشکیل کنفرانس اول لاهه که منجر به انعقاد کنوانسیون مربوط به قواعد و مقررات ناظر بر جنگ بین دول گردید، کوشش‌های متعددی برای تدوین قوانین چند جانبه‌ی ناظر بر روابط دول متخاصم به عمل آمد. کنوانسیون ۱۹۰۷ م لاهه که متمم کنوانسیون قبلی است، میثاق جامعه ملل در ۱۹۱۹ م، پیمان بریان - کلوگ^(۶) (Briand - Kellog pact) مورخ ۱۹۲۸ م، پیمان کارنو (Mutual Guarantee Treaty of) ۱۹۲۵ و پروتکل‌های دیگر تا منشور ملل متحد مصوب ۱۹۴۷ م، همگی سعی در منع جنگ تجاوزکارانه دارند و هر یک به نوعی دولتهای عضورا مکلف به رعایت مقررات و حل





پیشگیری یا منع و یا مرتکبین تجاوز را مجازات کند. با وجود آن که ماده ۱۶ میثاق جامعه ی ملل توسل به جنگ برای هر یک از اعضای خود را برخلاف اصول میثاق و جرم قابل مجازات تلقی نموده بود، با این وجود در مورد تجاوز ژاپن در یک جنگ اعلام نشده علیه منچوری در سال ۱۹۳۱ که منجر به اشغال قسمتی از سرزمینهای این کشور گردید، اعلام کرد که ماده ۱۶ میثاق جاری نمی باشد. در جنگ بین بولیوی و پاراگوئه (۱۹۳۵ - ۱۹۳۲) اعضای جامعه ی ملل تنها مبادرت به تحریم ارسال سلاح به کشور پاراگوئه که به اصطلاح متجاوز شناخته شده بود، نمودند. حمله ی ژاپن به سرزمین چین در سال ۱۹۳۷ منجر به اتخاذ تصمیمی به وسیله ی مجمع جامعه ی ملل مبنی بر این که ژاپن مقررات عهدنامه های ۱۹۲۲ و پیمان پاریس ۱۹۲۸ و ماده ۱۶ میثاق جامعه ی ملل را نقض نموده است، گردید. حمله ی شوروی به فنلاند در سال ۱۹۳۹ باعث گردید که مجمع تصمیم به اخراج شوروی از این سازمان بگیرد لکن عملاً این تصمیم هیچگاه به موقع اجرا گذارده نشد.

تنها موردی که مجمع عمومی جامعه ی ملل آن را طبق بند یک ماده ۱۶ میثاق تجاوز تشخیص داد؛

ما اکنون پس از گذشت نزدیک به یک قرن از تدوین مقررات جنگ هنوز شاهد فجایع و جنایات رژیم های منحرف و متجاوزی مانند رژیم بعث عراق و آمریکا و اسرائیل غاصب می باشیم. در این میان سازمان ملل و ارگان های تابعه ی آن مانند شورای امنیت و مجمع عمومی نشان داده اند که به علت اعمال نفوذ قدرتهای فائقه از ایفای نقش و وظایفی که به آنان محول گردیده، قاصر و ناتوان می باشند.

تهاجم ایتالیا به سرزمین ایتوپی در سال ۱۹۳۵ بود. بدین ترتیب که مجازات اقتصادی دسته جمعی علیه ایتالیا مقرر گردید. مع الوصف عدم اجرای مؤثر مجازات مذکور باعث گردید که ایتالیا دستورات جامعه ی ملل را نادیده انگاشته و ایتوپی را به تصرف و زیر سلطه ی خود در آورد. سازمان ملل متحد نیز که محصول بعد از جنگ جهانی دوم می باشد و به علت بافت و ساخت ویژه ی خود تاکنون نتوانسته است مشکلات و گرفتاریهای ناشی از ماجراجوییهای معدودی حکام و دولت مردان ظالم را مرتفع نماید، موضوع عدم توسل به قوه ی قهریه و تهدید به کاربردن و استعمال زور جهت تصفیه ی اختلافات بین المللی را در بندهای ۳ و ۴ ماده (۲) منشور ملل متحد آورده است. مسئله ی تجاوز و وجود تهدید علیه صلح بین المللی در فصل هفتم (ماده ۳۹) منشور ملل متحد آمده است لکن تا سال ۱۹۷۴ تعریف جامع و مانعی از واژه ی «تجاوز» داده نشد. پاره ای عدم توفیق قطع نامه های شورای امنیت را وجود ابهام در مفهوم و حدود و ثغور تجاوز انگاشته اند. ناگفته پیداست که این یک نوع ساده اندیشی است؛ زیرا اقداماتی که شورای امنیت می تواند پس از تشخیص تجاوز طبق مواد ۴۱ و ۴۲ منشور به آن توسل جوید همواره تحت الشعاع خواسته یا مصلحت یکی از قدرتهای دارای حق وتو در این ارگان یعنی سازمان ملل متحد بوده است. این امر در تمام وقایع و حوادثی که از بعد از جنگ دوم جهانی تاکنون مشاهده آن بوده ایم، به کرات به ثبوت رسیده است.

۲- عمل تجاوز

یکی از جرایم مندرج در ماده (۳۹) منشور (۷) «عمل تجاوز» است که به رغم تمام کوشش های انجام یافته به صورت جامع و مانع تعریف نشده است البته برخی از مؤلفان برای توجیه نارسایی ماده (۳۹) منشور گفته اند: «علت سکوت منشور در توصیف صریح این جرایم و تعیین برخی از مصادیق، آن است که نهادهای صالح سازمان بتوانند با توجه به اوضاع و احوال خاص در هر

مورد به تبیین آن پردازند؛ زیرا اصولاً ماهیت هر یک از این جرایم، مانند عمل تجاوز، فقط در صورت مواجهه با واقعیتی معین روشن می شود»^(۸). به نظر می رسد احاطه ی توصیف حقوقی این جرایم به دویارویی شورای امنیت است که ممکن است با استفاده از ضعف منشور تحت عنوان مقابله با کشور متجاوز، مرتکب هر اقدامی شود^(۹). در کنفرانس سانفرانسیسکو بسیاری از هیأت های نمایندگی پیشنهاد کردند برای این که شورای امنیت بتواند بی درنگ ضمانت اجراها را در موارد بارز و مسلم تجاوز اعمال کند، باید معیارهای عینی در اختیار داشته باشد و بر این اساس، در گام اول باید «تجاوز» تعریف شود^(۱۰). مخالفان تعریف تجاوز بر این نظر تأکید و اصرار داشتند که پیچیدگی مسأله موجب عدم امکان ارائه ی تعریفی کامل از تجاوز می شود.

دولت آمریکا که از جمله مخالفان بود، با تمسک به پیمان بریان کلوگ بر این نکته تأکید داشت که با در نظر گرفتن این حقیقت که تعریف تجاوز به هر حال نمی تواند تعریف جامع و مانعی باشد، کوشش در این راه را بی فایده و تعریف تجاوز را دستاویزی برای دول متجاوز دانست. نماینده ی آمریکا در کنفرانس سانفرانسیسکو با این استدلال که هر نوع تعریف تجاوز ممکن است به آزادی عمل شورای امنیت در به کار بردن نیروهای مسلح در اعمال ضمانت اجراهای مندرج در منشور لطمه بزند، اظهار داشت: «چنانچه تعریفی از تجاوز ارائه شود، این تعریف متضمن استانداردهایی خواهد بود که دیگر به آسانی نمی توان موارد به خصوص را با آن ها بررسی و مشخص کرد». اشکال دیگر در مورد تعریف تجاوز آن بود که اغلب دولت ها، تجاوز را به منزله ی دفاع مشروع در قبال حمله ی دیگران یا به عنوان دفاع از قانون، نظم و امنیت توجیه می کردند. به هر حال، کمیسیون تدوین حقوق بین الملل، مجمع عمومی و سایر ارکان سازمان ملل متحد همگی برای تعریف تجاوز بسیج شدند و با بذل مساعی خویش

قطعنامه ۳۳۱۴ را در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ م. در مجمع عمومی سازمان تصویب کردند و با این اقدام، موفقیت جامعه بین‌المللی را پس از سال‌ها تلاش برای تعریف تجاوز به نمایش گذاردند. قطعنامه‌ی مذکور که در محافل حقوقی به «قطعنامه تعریف تجاوز» شهرت یافته، هیچ‌گونه ملاحظه‌ای اعم از سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی را برای توجیه تجاوز صحیح ندانسته است.

قطعنامه، جنگ تجاوزآمیز را موجد مسئولیت بین‌المللی و جنایتی علیه صلح بین‌المللی تلقی کرده است. به موجب ماده (۱) قطعنامه، تجاوز عبارت است از: «کاربرد نیروهای مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا کاربرد آن از سایر راه‌های مغایر با منشور ملل متحد». بنابر این مطابق ماده (۱) قطعنامه، اقدامات اقتصادی، تهاجم فرهنگی و ایدئولوژیک از مفهوم تجاوز خارج است؛ زیرا تجاوز خصیصه خارجی دارد و اقدامات مسلحانه‌ی داخلی دولت‌ها به هر صورت مشمول عنوان تجاوز نیست. در ماده (۲) قطعنامه اقدامات تجاوزکارانه در ۶ بند احصا شده است. در این قطعنامه تهاجم یا حمله‌ی نیروهای مسلح یک دولت به سرزمین و دولت دیگر یا هر گونه اشغال نظامی، هر چند موقت ناشی از هرگونه تهاجم یا حمله یا هر نوع ضمیمه‌سازی سرزمین یک دولت یا قسمتی از آن با توسل به قوه‌ی قهریه، بمباران سرزمین یک دولت توسط نیروهای مسلح دولتی دیگر با کاربرد هر نوع سلاح توسط یک دولت علیه سرزمین دولت دیگر، محاصره‌ی بنادر یا سواحل یک دولت توسط نیروهای مسلح دولت دیگر، حمله‌ی نیروهای مسلح یک دولت به نیروهای زمینی و هوایی یا ناوگان‌های هوایی و دریایی کشور دیگر، استفاده از یک دولت از نیروهای مسلح مغایر با شرایط مورد توافق دولتی دیگر که در سرزمین آن مستقر شده‌اند، یا ادامه‌ی حضور آن نیروها در این سرزمین پس از پایان مورد توافق و تسهیل انجام اقدامات تجاوزکارانه

به صورتی که یک دولت برای انجام اقدامات تجاوزکارانه علیه دولت ثالث به دولت دیگر اجازه‌ی استفاده از سرزمینش را بدهد، تجاوز محسوب می‌شود. بند ۶ ماده (۳) قطعنامه برای خاتمه دادن به هر نوع شبهه که ممکن است نسبت به اشخاص و گروه‌های مسلح غیررسمی به ذهن متبادر شود، اعزام دسته‌ها، گروه‌ها، نیروهای نامنظم یا مزدوران مسلح توسط یک دولت علیه دولت دیگر را تجاوز شناخته است. تصویب «قطعنامه‌ی تعریف تجاوز» توسط مجمع عمومی نشان دهنده‌ی اهمیت موضوع و نماد عمومی افکار جامعه جهانی در قبال پدیده‌ی مجرمانه تجاوز است.

بنابراین به خاطر حمایت جامعه‌ی جهانی از این تعریف، برای شورای امنیت آسان نیست که وضعیت خاصی را که آشکارا در قالب تجاوز قرار دارد، تجاوز به شمار نیاورد؛ اما چون تشخیص موضوع و تطبیق آن بر احکام این قطعنامه از اختیارات شورای امنیت است، این شورا ممکن است در بعضی موارد، بنا به دلایل خاص سیاسی از این امر امتناع ورزد؛ زیرا قطعنامه‌ی تجاوز به عنوان یک راهنمای حقوقی برای شورای امنیت جنبه‌ی الزامی ندارد^(۱).

به نظر، قطعنامه‌ی تعریف تجاوزگر با آن که به عنوان یک راهنما تصویب شده، به تدریج می‌تواند به صورت یک قاعده‌ی حقوقی کیفری بین‌المللی درآید.

تعریف تجاوز، جهانیان را قادر خواهد ساخت تا ماهیت اقداماتی را که دولت‌ها به نام دفاع از خود و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل می‌آورند، بهتر تشخیص دهند

قطعنامه‌ی موصوف به رغم ایراداتی که دارد، متضمن این فایده است که با راهنمایی شورای امنیت در احراز تجاوز، می‌تواند متجاوز را از هرگونه عملیات منع شده باز دارد و در صورت وقوع تجاوز، در بسیج افکار عمومی برای محکوم کردن متجاوز و تسهیل کمک به قربانی تجاوز موثر واقع شود. تدوین کنندگان منشور باید حداقل یک ماده از مواد منشور ملل متحد را

تعریف تجاوز، جهانیان را قادر خواهد ساخت تا ماهیت اقداماتی را که دولت‌ها به نام دفاع از خود و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل می‌آورند، بهتر تشخیص دهند

به تعریف تجاوز اختصاص دهند تا شورای امنیت در مواردی که عملی را واجد وصف تجاوز می‌داند به آن ماده استناد کند^(۲).

ب- مفهوم تجاوز به موجب میثاق جامعه‌ی ملل به موجب ماده (۱۰) میثاق جامعه‌ی ملل که سلف سازمان ملل متحد می‌باشد، چنین مقرر شده بود که شورای جامعه‌ی مزبور باید به طریق و وسایل مقتضی در رفع تجاوز، تهدید و خطر تجاوز کوشا بوده و بدین وسیله دول عضو را وادار به تضمین تمامیت ارضی و استقلال سیاسی سایر اعضای جامعه در قبال هر نوع تجاوز خارجی بنماید. به علاوه ماده (۱۶) همان میثاق می‌گوید هر نوع توسل به زور می‌تواند موجب عکس العمل مسلحانه‌ی سایر دول به توصیه‌ی شورا گردد؛ زیرا چنین توسل به زوری مشابه عمل خصمانه علیه جامعه‌ی ملل به طور کلی می‌باشد و نمی‌تواند بدون مجازات باشد.

مع ذلک بر حسب میثاق جامعه‌ی ملل هرگاه از طرف دولتی علیه تمامیت ارضی و یا استقلال دولت دیگری از قوای ناریه استفاده شود، تجاوز تحقق می‌یابد.

ج- مفهوم تجاوز به موجب منشور سازمان ملل متحد





برابر ماده (۱۰۳) منشور سازمان ملل متحد این منشور در رأس مقررات حقوق بین الملل قرار دارد و دولتها نمی‌توانند از مقررات آن عدول نمایند. بنابراین تعریفی که از تجاوز بین المللی می‌شود نیز باید مطابق و موافق با منشور ملل متحد و قطعنامه‌ی تکمیلی آن باشد.

بند ۱ " ماده (۱) منشور تحت عنوان اهداف سازمان ملل متحد، تکیه بر حفظ صلح و امنیت بین المللی دارد و از این رو مقرر می‌دارد مهم‌ترین و اولین هدف سازمان عبارت است از اتخاذ تصمیم‌های جمعی و مؤثر جهت پیش‌بینی و امحای تهدید علیه صلح و هر نوع عمل متجاوزانه...

به موجب بند ۴ " ماده (۲) منشور، دول عضو سازمان ملل خود را ملزم به عدم توسل به تهدید یا عدم توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگری می‌نمایند.

بدین ترتیب به خوبی استنباط می‌شود که مفاد ماده (۱۰) میثاق جامعه‌ی ملل و مفاد بند ۴ " ماده (۲) منشور ملل متحد با یک دیگر هماهنگی داشته و هر دو در آن چه که مربوط به تعریف تجاوز و تعیین متجاوز می‌شود، میزان را بر رعایت تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر قرار داده‌اند.

به علاوه به موجب عرف و سنن بین المللی تجاوز به مثابه‌ی شدیدترین نوع استفاده‌ی نامشروع از زور، آشکارترین عمل در جهت نقض حقوق بین الملل و جنایت واقعی علیه صلح بین الملل تلقی می‌گردد و نه فقط در زمینه‌ی تئوری بلکه عملاً نیز قابل پیشگیری از طریق ضمانت اجرایی جزایی می‌باشد.

در وراء نظریه‌ی کلی که به موجب آن، تجاوز فقط عبارت از توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا حاکمیت سیاسی یک دولت به منظور تحمیل اراده‌ی بدان کشور است، انواع و اناء تجاوز را می‌توان برشمرد. اولین و بارزترین نوع اعمال متجاوزانه، تجاوز مسلحانه است. تجاوز مسلحانه خود نیز به دو نوع تجاوز " غیر مستقیم و مستقیم تقسیم می‌شود"^(۱۳). که در این جا به

تشریح و توصیف تجاوز مسلحانه‌ی مستقیم می‌پردازیم.^(۱۴)

تجاوز مستقیم از قدیمی‌ترین انواع اعمالی است که به عنوان تجاوز شناخته شده و عبارت است از دخالت قوای مسلح دولتی علیه دولت دیگر. عمل متجاوزانه‌ی مستقیم صراحتاً طبق بند ۴ " ماده (۲) منشور ملل متحد منع گردیده است.^(۱۵)

د- تعریف تجاوز به موجب قطعنامه ۱۹۷۴ سازمان ملل متحد^(۱۶)

ماده (۱) قطعنامه‌ی مزبور چنین مقرر می‌دارد: "تجاوز عبارت است از کاربرد نیروهای مسلح به وسیله‌ی یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگری، یا به هر طریق دیگری که منافات با منشور ملل متحد به نحوی که از تعریف حاضر استنباط می‌گردد، داشته باشد...."

ماده (۲) "در نظر اول، نقض منشور با به کار بردن نیروهای مسلح به وسیله‌ی دولتی برای تحقق عمل متجاوزانه کافی است...."

ماده (۳) "هر یک از اعمال مذکور در ذیل اعم از این که اعلان جنگ شده باشد یا نه در صورتی که منطبق با مقررات پیش‌بینی شده در ماده (۲)

به موجب

عرف و سنن بین المللی تجاوز به

مثابه‌ی شدیدترین

نوع استفاده‌ی نامشروع از زور،

آشکارترین عمل در جهت نقض

حقوق بین الملل و جنایت واقعی

علیه صلح بین الملل

تلقی می‌گردد و نه فقط در زمینه‌ی

تئوری بلکه عملاً نیز قابل

پیشگیری از طریق ضمانت اجرایی

جزایی می‌باشد.

باشد، موجب تحقق شرایط یک عمل متجاوزانه می‌گردد.

الف) تهاجم یا حمله به سرزمین دولتی به وسیله‌ی نیروهای مسلح دولت دیگر یا هر نوع اشغال نظامی ولو موقت که ناشی از یک چنین تهاجم یا یک چنین حمله‌ی باشد.

ب) بمباران سرزمین یک دولت به وسیله‌ی نیروهای مسلح دولت دیگر، یا کاربرد هر سلاحی به وسیله‌ی یک دولت علیه سرزمین دولت دیگر.

ج) محاصره‌ی بندر یا سواحل یک دولت به وسیله‌ی نیروهای مسلح دولت دیگر.

د) حمله‌ی نیروهای مسلح یک دولت علیه نیروهای مسلح زمینی، دریایی یا هوایی و یا در یانوردی و هواپیمایی کشوری دولت دیگر.

ماده (۵) هیچگونه ملاحظه‌ی سیاسی، اقتصادی یا نظامی نمی‌تواند عمل تجاوز را توجیه کند؛ زیرا یک جنگ تجاوزکارانه یک جنایت بر علیه صلح محسوب می‌گردد.

ماده (۶) هیچ یک از تعاریف فوق را نمی‌توان طوری تفسیر نمود که تأثیر و کاربرد منشور ملل متحد از جمله مفاد مربوط به استفاده‌ی مشروع از قدرت را کاهش دهد.

ماده (۷) ماده (۳) هیچگونه خللی به حق تعیین سرنوشت، آزادی، استقلال که از منشور ملل تحصیل می‌گردد، وارد نمی‌سازد.

ماده (۸) مواد مشروحه فوق در هنگام اجرا به هم پیوسته می‌باشند و هر یک از آنها بایستی در رابطه با دیگر مواد انجام گیرد.

همانگونه که در تعریف تجاوز به شرح قطعنامه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مشاهده می‌نماییم، مواد ششم و هفتم آن توسل به جنگ را در دفاع مشروع و یا جهت کسب استقلال یا تعیین سرنوشت نفی ننموده است.

با یک مرور کلی در پیمان‌ها و قراردادهای چند جانبه درباره‌ی تحریم یا تجدید جنگ و توسل به قوه‌ی قهریه در می‌یابیم که هیچ یک از آنها قلمروی دفاع مشروع یا آزاد سازی سرزمین

اشغال شده به زور را محدود و ممنوع نموده‌اند. به منظور شناخت کامل عملیات تجاوزگرانه ی رژیم بعثی عراق بخشی از اقدامات آن رژیم که کاملاً مترادف با تعریفات فوق الذکر و ناقص حقوق بین الملل و هم چنین اصول اعلام شده از طرف عراق می باشد، مختصراً نقل می‌گردد: (۳۷)

الف) بمباران دهات مناطق کردنشین ایران توسط ۴ فروند هواپیمای سخوی عراقی در ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ (۴ ژوئن ۱۹۸۰)، بمباران قراء فورانی و امامی از بخش نوسود توسط یک فروند میگ عراقی در ۵۸/۳/۱۸ (۸ ژوئن ۱۹۸۰).

ب) حمله ی سراسری ۳۱ شهر یور ماه ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۱) عراق به خاک دولت جمهوری اسلامی ایران با دوازده لشکر رزمی و اشغال اراضی و دهات و شهرهای ایران.

ج) بمباران فرودگاه‌ها و تأسیسات نظامی و اقتصادی ایران در شهرهای تهران، اصفهان، کرمانشاه، تبریز، همدان، بوشهر، شیراز، دزفول، آبادان، اهواز در ۳۱ شهر یور ماه ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۱).

د) محاصره ی بندر و شهر آبادان و محاصره و اشغال بندر و شهر خرمشهر ایران به وسیله ی نیروهای مسلح زمینی و دریایی عراق.

ه) حمله ی نیروهای مسلح رژیم بعثی عراق (دریایی- هوایی و زمینی) به پایگاهها و تأسیسات نظامی ایران و کشتیهای تجاری و ناوها و هواپیماهای نظامی و هواپیماهای مسافری و تجاری ایران که منجر به تغییر مسیر کریدور پروازهای بین‌المللی شد.

از آن جمله می توان حمله ی هواپیماهای عراق به هواپیماهای وزیر خارجه ی الجزایر شهید بن یحیی و همراهان ایشان را نام برد. (۳۸)

پی نوشتها:

- ۱- سوره مبارکه بقره آیه ۱۹۳.
- ۲- سوره مبارکه بقره آیه ۲۲۹.
- ۳- سوره مبارکه بقره آیه ۱۹۰.
- ۴- سوره مبارکه نساء آیه ۳۰.

۵- طبیعی، منصور، سیمای امنیت در نهج البلاغه، انتشارات دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۶۵-۱۷۲.

۶- این پیمان، جنگ را به عنوان ابزاری برای سیاست خارجی تحریم کرده لکن توسل به آن را به عنوان دفاع مشروع، مجاز شناخته است.

۷- برای اطلاع بیشتر در مورد ماده (۳۹) منشور ملل متحد و تجزیه و تحلیل ابهامات موجود در آن به صفحات ۱۷ الی ۱۸ مقاله ی محمد جعفر حبیب زاده و محمد توحیدی فر با عنوان "اختیارات شورای امنیت سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی" رجوع کنید که در شماره ۳۰ ماهنامه ی دادرسی در بهمن و اسفند سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است.

۸- فلسفی، دکتر هدایت الله، مبانی حقوق بین الملل، جزوه ی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۷۴-۷۵، ص ۶۲ و ۶۳.

۹- حبیب زاده، محمد جعفر و محمد توحیدی فر، پیشین، ص ۲۱.

10- Russe. R.B. "A History of the united Nations charter" Washington . D.C. the Brooking Institution U.S.A. 1985. P671.

11- U.N.General Assembly . 25 th session official Record Report of the special committee on Defining Aggression (sup19.A/8019) , p.6, 23 July - 14 August 1975.

۱۲- حبیب زاده، محمد جعفر و محمد توحیدی فر، پیشین، ماهنامه ی دادرسی، شماره ۳۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱، ص ۱۸.

۱۳- لازم به تذکر است که تجاوز مستقیم با این توصیف خاص برای اولین بار در سال ۱۹۳۳ در یک طرح پیشنهادی از جانب شوروی در کنفرانس خلع سلاح مطرح گردید.

۱۴- این تجاوز دقیقاً با تجاوز ارتکابی توسط رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران تطابق دارد.

15- "4- les membres de L'organisation s'abstiennent , dans leurs relations

internationales , de recourir a ' le menace ou a ' l'amploide La force , soit conter L'inte'grite' territoriale ou l'iude'pendance Politique de tout Etat , soit de toute autre manie're incompatible avec les buts des Nation - s Unies .ll .

۱۶- در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۷ به پیشنهاد شوروی بخش‌های مربوط به تعریف تجاوز از سر گرفته شد؛ زیرا شوروی معتقد بود با توجه به وضعیت کنونی بین‌المللی لازم است در مورد تصویب تعریف تجاوز تسریع گردد. لذا کمیته ی ویژه‌ای تشکیل شد که می‌بایست هر سال چگونگی پیشرفت کارهایش را به مجمع عمومی سازمان ملل گزارش می‌نمود. سه طرح از جانب شوروی، کشورهای غیرمتعهد و کشورهای غربی به این کمیته ارائه شد که طرح‌های پیشنهادی شوروی و کشورهای غیر متعهد روی این نکته تأکید می‌نمودند:

"تجاوز مسلحانه شدیدترین و خطرناک‌ترین نوع تجاوز است؛ لذا بایستی از این نوع تجاوز تعریفی جامع و مانع به عمل آید".

در طرح نهایی این پیشنهاد پذیرفته نشد و بالأخره قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ دسامبر ۱۹۷۴ به وسیله ی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب گردید.

۱۷- در تاریخ هشتم فوریه ۱۹۸۰ عراق اعلامیه ای تحت عنوان "منشور عرب CHARTER THE PAN ARAB" صادر نمود؛ این اعلامیه که هماهنگ با اصول نهضت غیر متعهدها می‌باشد از جمله رعایت اصل عدم توسل به نیروهای مسلح علیه ملتها و کشورهای همسایه سرزمین عربی را پیش بینی می‌نماید. قابل توجه است که احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت کلیه ی دول عضو، عدم تجاوز بین دولتهای عضو و حل و فصل اختلافات از طریق مسالمت آمیز، یکی از اصول قابل توجه نهضت غیر متعهدها می‌باشد.

۱۸- جهت اطلاع بیشتر در زمینه ی تجاوزات رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۳ تا ۱۳۵۹/۶/۳۱ به صفحات ۱۷۸-۱۵۵ کتاب "تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران" که دفتر حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۶۱ به چاپ رسانده است، رجوع نمایید.